گزارش کپسولی

تقدیر از همسر نورخدا در مشهد

احتمالا در جریان شهادت شهید نورخدا موسوی هستید. جناب سروان کاردرست سبزپوش نیروی انتظامی که ده سال قبل در سیستان و بلوچستان برای دفاع از امنیت من، شما و میلیون‌ها ایرانی دیگر به جنگ با اشرار رفت. نورخدا در آن درگیری مجروح شد، اما شدت جراحت به حدی بود که افتاد در بستر و ده سالی در کما بود. نورخدا هرچند شهید نشد، اما رنج زیادی را تحمل کرد و در نهایت هم شب شهادت امام حسن مجتبی(ع) در ۲۸ صفر بعد از یك دهه در کما بودن به شهادت رسید.

حالا خبر رسیده که از همسر نورخدا در مشهد توسط تولیت آستان قدس رضوی تجلیل شده و از زحمات ده ساله‌اش در همراهی با این شهید تقدیر شده است.

حالا البته شما اسمش را تقدیر می‌خوانید ولی انصافا صبر و تحمل برای تر و خشك کردن یك جانباز در بستر افتاده که حتی توانایی حرف زدن هم ندارد، اراده و انگیزه زیادی می‌خواهد.

کبری حافظی نه تنها گلایه نکرده بلکه گفته این مایه افتخار من بود که توانستم ده سال از او پرستاری کنم. حافظی این را هم گفته که همسرش بعد از جراحت با عنایت حضرت رضا(ع) زنده مانده بود.

همسر شهید موسوی درباره رابطه عاشقانه خودش با نورخدا هم گفته: «حتی باور نمی‌کردم یك روز تحمل‌کنم آقا سید مریض باشد، ایشان در محل کار هم رابطه بسیار خوبی با همکارانشان داشتند.»

صحبت از مشهد شد. این را هم اضافه کنیم که همزمان با میلاد پیامبر اکرم(ص) یك اردوگاه فرهنگی و تفریحی هم برای دخترخانم‌ها راه‌اندازی شده است. اصولا چند وقتی است که راه‌اندازی مکان‌های فرهنگی و هنری و رفاهی برای خانم‌ها باب شده.

اواخر سال گذشته بود که استاندار قزوین روبان یك کتابخانه عمومی را برای دختر خانم‌های این شهر بُرید تا خانم‌ها با خیال راحت به این کتابخانه بروند و بیایند و یحتمل از بعضی ویژگی‌های محیط صرفا زنانه این کتابخانه استفاده کنند.

حالا یك مرکز فرهنگی و رفاهی دیگر هم تقریبا ۱۲۰۰ کیلومتر آن طرف‌تر از قزوین در مشهد افتتاح شده. قضیه به افتتاح ادوگاه فرهنگی و تفریحی خاتون برمی‌گردد که حجت‌الاسلام رئیسی، تولیت آستان قدس درباره‌اش گفته «باغ اردوگاه خاتون به اردوگاهی برای بانوان، دختران جوان و نوجوان با فضای مناسب فرهنگی تبدیل خواهد شد تا نشاط، آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی در آن وجود داشته باشد».

البته این را هم اضافه کنیم که این باغ اردوگاه مختص زائران نبوده و در آن برای دختر خانم‌های مشهدی هم باز است.

جام جم جزئیاتی از مافیای پشت صحنه موسیقی را بررسی کرده است

این شما و این «سلطان کنسرت»

+ یکی از مدیران سابق دفتر موسیقی ارشاد به جام جم می‌گوید این سلاطین او را تهدید هم کرده‌اند

نمی‌شود که نام سلطان و مافیا بیاید و پدرخوانده به یاد نیاید

آذر مهاجر
هنر و ادبیات

نام کسی به میان نیامده بلکه چالشی برای یافتن سلطان کنسرت طراحی شده و طراح این چالش محمد معتمدی، خواننده و نوازنده نام‌آشنای کشورمان است. او در متنی که به این منظور در اینستاگرامش با هشتگ سلطان کنسرت منتشر کرده، دامنه گمانه‌زنی‌ها را جمله به جمله تنگ‌تر می‌کند و در نهایت توجه‌ها را به کسی جلب می‌کند که در میان هنرمندان، اهالی موسیقی و حتی علاقه‌مندان موسیقی شناخته شده است. معتمدی در متنی که نوشته قبل از هر چیز هنرمندان عرصه موسیقی را خط می‌زند و بوضوح برگزارکنندگان کنسرت را هدف قرار می‌دهد؛ کسی یا کسانی که در برگزاری کنسرت‌ها نقش دارند و از فروش بلیت‌های کنسرت سود قابل توجهی عایدشان می‌شود. بر اساس توضیحات معتمدی سلطان کنسرت کسی است که بازار و ساز و کار فروش بلیت کنسرت‌ها را در اختیار گرفته، به تنهایی و با ارتباط با برخی از افراد در بدنه اجرایی کشور، خارج از سیاستگذاری‌های فرهنگی کشور، برای بازار موسیقی و کنسرت ایران، سیاستگذاری می‌کند و بازار موسیقی و فروش کنسرت‌ها را انحصاری کرده و حجم معاملات او نیز در سال چند صد میلیارد است و به هیچ نهاد نظارتی و مالیاتی هم پاسخگو نیست!

در نهایت آنچه باعث می‌شود، اطمینان حاصل کنیم معتمدی به یك فرد خاص اشاره می‌کند، هشتگ‌هایی است که او در پایان متن اینستاگرامی‌اش منتشر کرده است؛ در میان این هشتگ‌ها صرفا یك موسسه برگزارکننده کنسرت دیده می‌شود و البته مدت‌هاست وقتی سخن از افراد تعیین‌کننده و صاحب‌نفوذ در زمینه برگزاری کنسرت‌ها به میان می‌آید، انگشت‌ها به یك سمت اشاره می‌شود.

چرا چالش سلطان کنسرت؟

بعد از چالش سلطان کنسرت، گمانه‌زنی‌ها آغاز شده و برخی نشریات هم به آن پرداخته‌اند، اما محمد معتمدی در این باره با رسانه‌های رسمی گفت‌وگو نکرده است. نکته اینجاست که چرا معتمدی ترجیح داده در فضای مجازی حرف بزند و در این زمینه یك چالش به راه بیندازد؟

سوالات دیگری نیز وجود دارد که اگر معتمدی به آنها پاسخ می‌داد، امید بیشتری برای شناسایی و معرفی سلطان کنسرت وجود داشت. مثلا این‌که معتمدی چه اسناد و مدارکی در این زمینه دارد و آیا نبود مستندات کافی سبب شده او از فضای مجازی بهره بگیرد و حرفش را در قالب یك چالش مطرح کند؟ آیا اشاره به وجود سلطان کنسرت صرفا حاصل تنش و درگیری او با یك یا چند برگزارکننده کنسرت است؟ آیا معتمدی از سلطان کنسرت نام نمی‌برد، چراکه معتقد است این فرد با برخی از افراد در بدنه اجرایی کشور ارتباط دارد؟ آیا معتمدی از توجه و انگیزه مسؤولان فرهنگی و قضایی کشور برای مهار فساد و رانت‌خواری در حوزه فرهنگ و موسیقی ناامید است و ترجیح داده توپی به میدان بیندازد و امیدوار باشد کسی یا کسانی به دنبالش بروند و شاید سلطان کنسرت آنقدر در این حوزه شناخته شده و صاحب نفوذ است که نیازی نبوده نامی از کسی ببرد؟

تمام این سوالات بی‌جواب مانده و بعید نیست چالش سلطان کنسرت بعد از آن‌که مدتی نقل محافل شد و گمانه‌زنی‌هایی درباره‌اش صورت گرفت و بعد از چند گزارش و مقاله مطبوعاتی فراموش شود؛ بخصوص از این بابت که وجود کسی یا کسانی به عنوان سلطان کنسرت، معیشت مردم را مختل نمی‌کند و انگیزه‌ای برای شناسایی و معرفی او وجودندارد.

محمد معتمدی درباره سلطان کنسرت چه می‌گوید؟

همه چیز از یك مطلب اینستاگرامی شروع شد با هشتگ «سلطان کنسرت» که هنوز هم در صفحه محمد معتمدی وجود دارد و حذف نشده، اما او به مصاحبه در این باره علاقه‌ای نشان نمی‌دهد.

معتمدی در این باره نوشته است: «در حوزه اقتصاد فردی بود که معروف شد به سلطان سکه. او دقیقا چه کار می‌کرد و جرمش چه بود؟ در بازار سکه نوعی انحصار به وجود آورده بود؛ به نحوی که جدا از سیاستگذاری‌های دولت می‌توانست با ارتباط با برخی افراد در بدنه اجرایی، قیمت سکه را به‌تنهایی تعیین کند.

تراکنش مالی او هم ظاهرا حدود هزار میلیارد عنوان شده است. در حوزه امور فرهنگی و هنری چه؟ به هر حال بنده و سایر هنرمندان مستقل که بازرگان و فعال اقتصادی نیستیم. ما هنرمند موسیقی هستیم و حوزه کاری و شغلی ما کنسرت است. آیا هنرمندان موسیقی مستقل هم سلطان حوزه کاری خود را دارند؟!

سوال این است که سلطان فروش بلیت کنسرت‌های موسیقی ایران کیست؟! و آیا اصلا دانستن این موضوع برای مسؤولان مهم است یا نه؟ البته منظور از سلطان، هنرمندان عرصه موسیقی یا خوانندگان موسیقی نیستند، بلکه کسانی هستند که بازار و ساز و کار فروش بلیت کنسرت‌ها را در اختیار گرفته‌اند. اگر کسی به تنهایی و با ارتباط با برخی از افراد در بدنه اجرایی کشور، خارج از سیاستگذاری‌های فرهنگی کشور، برای بازار موسیقی و کنسرت ایران سیاستگذاری و بازار موسیقی و فروش کنسرت‌ها را انحصاری کند و جابه‌جایی مالی او نیز در سال چند صد میلیارد باشد و به هیچ نهاد نظارتی و مالیاتی هم پاسخگو نباشد، تکلیفش چیست و آیا اصلا برای کسی مهم است؟

آنچه مشخص است، این که این انحصار به هر روی شکل گرفته است، اما شکل‌گیری آن با هماهنگی و تایید متولیان فرهنگی کشور بوده یا نوعی فساد خارج از سیستم اداری است؟ به گمان بنده اینها پرسش‌هایی بسیار مهم ولی بی‌پاسخ است، بنابراین اینجانب خبرنگاران محترم و همچنین مسؤولان و متولیان محترم فرهنگی و قضایی کشور و اعضای محترم کمیسیون فرهنگی مجلس را به چالش #سلطان_کنسرت دعوت می‌کنم.»

با پیروز ارجمند درباره چالش «سلطان کنسرت» محمد معتمدی گفت‌وگو کرده‌ایم

سلاطین مورد حمایت هستند!

پیروز ارجمند به عنوان آهنگساز، نوازنده، مدرس دانشگاه و البته کسی که سکان مدیر کلی دفتر موسیقی وزارت ارشاد را به عهده داشته در مقایسه با محمد معتمدی پا را فراتر می‌گذارد و می‌گوید سلاطین کنسرت در حوزه موسیقی کشورمان وجود دارند و در این گفت‌وگو تشریح می‌کند آنها چطور به وجود آمده‌اند، چطور قدرت گرفته‌اند و از سوی چه کسانی حمایت می‌شوند و از چه خلأهایی برای پیشبرد اهدافشان بهره می‌گیرند.

شما معتقدید نه یکی بلکه سلاطین کنسرت در کشورمان فعالیت می‌کنند. این سلاطین چطور شکل گرفته‌اند و چطور به چنین قدرتی دست پیدا کرده‌اند؟

آنها افراد عادی و عمدتا پادوی شرکت‌های موسیقی بودند که از همین نقطه به شرکت‌داری رسیدند. این افراد همیشه در صنعت موسیقی بوده‌اند اما به دلایل خاصی توانسته‌اند برگزاری کنسرت‌های موسیقی ایران را تحت کنترل خودشان در بیاورند.

آنها از روابط احتمالی خاصی که با مدیران دفتر موسیقی داشتند و همچنین به دلیل نفوذی که در میان هنرمندان سرشناس موسیقی داشتند به چنین قدرتی رسیده‌اند.

از سوی دیگر رونق برگزاری کنسرت‌ها به جای انتشار آلبوم موسیقی به آنها کمك کرد صاحب ثروت شوند و از آن برای انحصارگرایی در عرصه برگزاری کنسرت بهره بگیرند. این سلاطین در پی ارتباط با افرادی در مراکز دولتی در نهادهای خاص و میان اهالی موسیقی هستند تا به آنها رشوه بدهند و افرادی را به عنوان واسطه به میان جامعه موسیقی و دفتر موسیقی بفرستند. زمانی که مدیر دفتر کل موسیقی بودم، اعلام کردم دست این دلالان را قطع می‌کنم و تا اندازه‌ای این کار را کردم. بخش ناسالمی که در بدنه موسیقی وزارت ارشاد شکل گرفته، نتیجه فعالیت این افراد است، چراکه با رشوه دادن، باج گیری و سایر روش‌های ناسالم، فضا را آلوده کرده‌اند و چون معمولا برگزاری کنسرت‌های استادان موسیقی و بخصوص برگزاری کنسرت‌های هنرمندان خاصی در انحصار آنهاست، قدرتمندتر شده و خودشان را صاحب‌نظر می‌دانند. برخی از آنها زمانی که مدیرکل دفتر موسیقی بودم، مرا تهدید می‌کردند. برخی از آنها بصراحت می‌گفتند این قدرت را داشتند که مدیر قبلی را بازداشت کنند و از افتخاراتشان این بود که می‌توانند در مقابل دولت هم بایستند در حالی که این ادعا صحت ندارد.

ادامه در صفحه ۱۱

امروز چی داریم؟

سلطان کنسرت و پاییزه خزان‌زده کتاب

عید روز گذشته شما با تاخیر مبارك! می‌دانیم؛ خوب می‌دانیم که دل‌تان برای شیلنگ تخته انداختن‌های بچه‌های گروه فرهنگی حسابی تنگ شده است. بخصوص که شنبه گذشته هم روزنامه چاپ نشده و ما به‌عنوان قشر خبرنگار بعد از مدت‌ها توانستیم روز جمعه را کنار زن و زندگی باشیم. بگذریم که در عوض دیروز را به عنوان روز عید و تعطیل آمدیم روزنامه! امروز اما صفحات فرهنگی کمی بالا و پایین شده.

به قاعده همیشه که بین و ما و سازمان آگهی‌ها برای تغییر و کم شدن آگهی‌ها دعوا و درگیری است، شماره امروز هم از این قاعده مستثنا نبود و بعد از چند روز تعطیلی، دو صفحه از صفحات فرهنگی تقدیم سازمان آگهی‌ها شد. باشد که مقبول دوستان افتاده باشد و در روزهای بعد با ما بیشتر کنار بیایند. البته این را هم بگوییم که حالا سوای این جنگ و گریزهای ظاهری، اما ته قلب‌مان از باز بودن باب آگهی به روی روزنامه خوشحالیم و این دعواها هم بیشتر جنگ زرگری است. خلاصه که خیلی گول این اختلافات ظاهری را نخورید. و اما بعد...

اواخر هفته قبل بود و بعد از کله‌پا شدن **سلطان سکه** که **محمد آقای معتمدی** از خوانندگان کاردرست و جوان و آینده‌دار موسیقی سنتی با گذاشتن یك پست بودار در صفحه اینستاگرام شخصی خودش نخ داد به بقیه که کاش علاوه بر سلطان سکه با سلطان کنسرت هم برخورد شود.

آذر مهاجر، خبرنگار کاردرست ادبیات و هنر ما هم که این چند وقت اخیر حسابی گزارش‌ها و مصاحبه‌هایش گل کرده رفته سراغ سلطان مورد نظر و بعضی از وقایع و حقایقی را که خودش از نزدیك از آن اطلاع داشته در گزارش آورده. کنار این قضیه سراغ یکی از دوستانی که پیش از این در حوزه موسیقی هم صاحب مسؤولیت بوده هم رفته و راجع به حضرت سلطان گپ شده. القصه که گزارش و مصاحبه مهاجر را از دست ندهید. از همین صفحه شروع شده و تا صفحه ۱۱ ادامه یافته است.

صفحه ۱۲ ما هم نیمچه گزارشی رفته از **طرح پاییزه کتاب** که حالا چند مرتبه‌ای در شکل پاییزه و عیدانه دارد برگزار می‌شود و سعی کرده در این وضعیت قمر در عقرب و خیش خراشمای اقتصادی، مرهمی باشد روی زخم ناسور ناشر و کتابفروش جماعت.

هرچند اوضاع آن‌قدر خیط است که این طرح بیش از آن‌که در مقام مرهم ظاهر شود درنهایت می‌تواند کار چسب زخم را بکند و گرنه در این وضعیت اقتصادی کار و بارکی بر وفق مراد است که کار و بار کتابفروشی‌ها بر وفق مراد باشد. قشری که همین جور در حالت عادی هم چرخ اقتصادی‌شان با زحمت و هل دادن و دنده دو گذاشتن می‌چرخد.